



گردنش از بند هر معبود رست
عشق را ناممکن ما ممکن است
عشق را عزم و یقین لاینفک است
عشق با عقل هوس پرور چه کرد؟
سرو آزادی زبستان رسول
معنی ذبح عظیم آمد پسر
دوشی ختم المرسلین، نعم الجمل
شوخی این مصرع از مضمون او
همچو حرف قل هو الله در کتاب

اقبال لاهوری

هر که پیمان با هوالموجود بست
مؤمن از عشق است و عشق از مؤمن است
عقل را سرمایه از بیم و شک است
آن شنیدستی که هنگام نبرد
آن امام عاشقان، پور بتول
الله، بای بسم الله پدر
پیر آن شهزاده خیرالملل
سرخ رو عشق غیور از خون او
در میان است، آن کیوان جناب